

در این مقال به سه بعد عمده پرداخته می‌شود. بعد علمی، بعد ارزشی اخلاقی و بعد الگوی رفتاری.

بعد نخست که به تعبیری بعد اساسی و پایه است، مرجعیت علمی معلمان می‌باشد. تعلیم دهنده به آن چه تعلیم می‌دهد قطعاً باید اشراف داشته باشد. توانمندی علمی معلم شرط بنیادین تعلیم و تعلم است. بی‌جهت نیست که دانش‌آموزان در مواجهه با معلم جدید با تمامی توان سعی در محک زدن او را دارند و اگر او را توانا یافتند، نوعی رابطه‌ی خاص بین دانش‌آموز و معلم شکل می‌گیرد که مبتنی بر احترام و تبعیت است. معلمانی که دارای توانمندی علمی هستند در اداره‌ی کلاس درس مشکل چندانی ندارند، گر چه این یک شرط لازم برای موفقیت در امر تدریس است و داشتن مهارت‌های دیگری هم به‌عنوان شروط کافی ضروری است. ولی به هر صورت معلم مرجعی علمی برای دانش‌آموز است و همواره باید کوشا باشد که این مرجعیت مخدوش نگردد. از سوی دیگر وظیفه‌ی خطیر دستگاه تعلیم و تربیت کشور به‌روز آوری سطح علم و دانش معلمان است. هر چند در بین جامعه‌ی معلمان از دیر باز کانون‌های رشد و بالندگی علمی وجود داشته است، لکن در این چند سال اخیر خصوصاً با توجه به برنامه‌های دولت در توسعه‌ی مشارکت‌ها، تشکل‌های معلمان و از جمله انجمن‌های علمی از گسترش و رونق خاص برخوردار شده است. حتی در دو رشته علمی این تشکل‌ها به سطح کشوری ارتقا یافته‌اند و در قالب اتحادیه‌ی انجمن‌های علمی فعال شده‌اند. فعالیت این انجمن‌ها در زمینه‌ی گسترش فرهنگ علمی در بین معلمان، برگزاری کنفرانس‌های علمی و توسعه فعالیت‌های پژوهشی است.

بعد دیگر مرجعیت معلم، مرجعیت ارزشی و اخلاقی است. اگر در بعد نخست سرنوشت علمی کشور و آتیه شهروندان رقم می‌خورد، مرجعیت ارزشی و اخلاقی، قوام و زوال یک جامعه را تعیین تکلیف می‌کند. ارزش‌ها در حقیقت عامل قوام و دوام جوامع هستند و معلمان به‌عنوان انتقال دهندگان ارزش‌ها و هنجارهای ملی نقش بسیار تعیین کننده‌ای بر عهده دارند. هم از این جهت است که هدایت سکان تعلیم و تربیت در تمامی کشورهای جهان بر عهده‌ی دولت‌های منتخب مردم است. در این

# مرجعیت معلمان

بیم‌ها و امیدها

## غلامرضا جنتیان

آخرین یافته‌های یک نظرسنجی ارزشی نشان می‌دهد که فرهنگیان با ۷۷٪ فراوانی مورد اعتمادترین افراد از دیدگاه جوانان این کشور هستند<sup>(۱)</sup>. به عبارت دیگر عنوان قوی‌ترین گروه مرجع کشور در شرایط حاضر را فرهنگیان به‌خود اختصاص داده‌اند. این عنوان بسیار مسؤلیت‌زا است و در عین حال بسیار موجب افتخار و مباهات می‌باشد و نشانه‌ای از سلامت، پاکی و دیدگاه ارزشی جوانان این مرز و بوم است. تحلیل این مهم که در شرایط بحرانی و طوفانی جهانی که خصوصاً برای جوانان وجود دارد، چگونه و چرا ایشان فرهنگیان را حبل‌المتین خویش یافته‌اند، می‌تواند راهبردهای مؤثری را برای ساماندهی و قوام‌بخشی جامعه امروزی ما ارائه کند.

معلمان، افرادی هستند که دانش‌آموزان را به سرچشمه‌های دانش و فضیلت رهنمون می‌سازند و شاید به‌جرات بتوان گفت که در مورد بعضی از خانواده‌ها، معلمان بیشترین تماس و حضور رو در رو را با دانش‌آموز دارند و به‌طور کلی پس از محیط خانواده، محیط‌های آموزشی بیشترین زمان حضور دانش‌آموز در آن است. شخصیت نوجوانان و جوانان در جریان مراد و تعامل بین عوامل آموزشی و گروه هم‌سن شکل می‌گیرد. در این صورت‌بندی شخصیت، معلمان نقش اول را دارا هستند و به‌طور اجتناب‌ناپذیری ویژگی‌های روحی - روانی جوان و نوجوان با وضعیت روحی روانی - معلمان پیوند دارد. مرجعیت معلمان برای دانش‌آموزان دارای ابعاد مختلفی است.

زمینه حتی حکومت‌های استبدادی بسیار شدیدتر عمل می‌کنند و جزئیات برنامه‌های آموزشی و پرورشی را به‌طور متمرکز طراحی و اجرا می‌نمایند و بدین ترتیب معلمان، نوجوانان و جوانان پیرامون خود را علاقه‌مند به سرنوشت خود و کشور تربیت می‌کنند و یا بی‌توجه و ستیزه‌گر با نظام حاکم بار می‌آورند. مدارس در واقع بناکننده‌ی عمارت فردای جامعه هستند و معلمان معماران این فُردها هستند. این معماران هنگامی به‌طور مؤثر انجام وظیفه خواهند کرد که انگیزه‌ی کافی برای به‌تحقق درآوردن اهداف سازمانی را داشته باشند. آیا جامعه زمینه‌ی لازم برای تأمین چنین انگیزشی را فراهم کرده است؟ آیا به‌گونه‌ای اقدام شده است که معلم احساس کند که آحاد جامعه نه‌تنها در حرف و کلام برای او ارزش قائل هستند بلکه در عمل نیز چنان تمهیداتی اندیشیده‌اند که جایگاه و مرتبت اجتماعی خود را حفظ کند و بتواند الگوی رفتاری دانش‌آموزان خود باشد؟

بعد دیگر مرجعیت معلم، مرجعیت الگویی و رفتاری است. پس از والدین و گاه بسیار مؤثرتر از والدین معلم نمونه، سرمشق، اسوه یا به‌تعبیری الگوی رفتاری دانش‌آموزان است. این نگرش در بین دانش‌آموزان از شدت و ضعف برخوردار است. به‌طوری‌که در دوره‌ی آموزش ابتدایی بسیار شدید است و در دوره‌ی متوسطه کاهش جدی پیدا می‌کند و طبیعی است اگر درباره‌ی علاقه‌مندی نسبت به‌شغل معلمی در بین سه دوره‌ی تحصیلی نظرسنجی شود نتایجی شبیه بیان بالا را خواهیم یافت. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که نقش مرجعیت معلمان حداقل از دیدگاه ایشان در مخاطره جدی است. در یک طرح پژوهشی که بر روی ۴۱۰ نفر از معلمان سه دوره‌ی تحصیلی استان اصفهان پیرامون موضوع تعلق و تعهد سازمانی انجام شده است<sup>(۱)</sup>، تقریباً ۲۲٪ معلمان مورد مطالعه از تعلق و تعهد سازمانی قابل قبول برخوردارند. به‌عبارت دیگر ۷۸٪ معلمان مورد مطالعه، خود را به‌عنوان عضوی از سازمان آموزش و پرورش نمی‌شناسند و نسبت به‌امور بی‌تفاوت هستند. در این مطالعه وضعیت معلمان مرد از معلمان زن حادث‌تر است. هم‌چنین در یک نظرسنجی با موضوع بررسی عوامل نارضایتی معلمان که در سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ بر روی ۳۰۹ نفر معلم در شهر اصفهان انجام

گردید<sup>(۲)</sup>، پنج عامل که بیشترین اهمیت را در نظر معلمان مورد مطالعه داشته است به‌ترتیب میزان حقوق دریافتی، مسکن، وجود تبعیض بین کارمندان دولت، منزلت معلمان و جایگاه آموزش و پرورش در جامعه بوده است. یکی از گویه‌های این نظرسنجی که شغل معلمی را به‌عنوان شغل مناسب برای فرزندان سؤال کرده است، بسیار قابل تأمل است. ۳۳ درصد با این گویه ابراز موافقت کرده‌اند و در برابر ۵۸ درصد مخالفت نموده‌اند. ملاحظه می‌شود که جایگاه شغل معلمی در نظر معلمان مورد مطالعه مورد تردید واقع شده است و شاید به‌همین دلیل است که انگیزش مورد انتظار در اجرای تعهدات سازمانی و احساس تعلق دچار کاهش قابل توجهی شده است. معلمان به‌شدت نگران منزلت اجتماعی خویش‌اند. منزلت اجتماعی را عموماً مرکب از مؤلفه‌های درآمد مالی، سطح تحصیلات و شأن شغلی می‌دانند و ارتباط این عامل با پدیده نارضایتی واضح است.

#### نتیجه‌گیری:

بازسازی مرجعیت معلم که علی‌رغم همه‌ی مطالب گفته شده، بالاترین مرجع در بین اقشار مختلف اجتماع در منظر جوانان و نوجوانان است از ضروری‌ترین برنامه‌های اصلاحی جامعه است. اعتلای این مقام برای معلمان قوام جامعه را به‌همراه دارد و از این روست که باید در رأس برنامه‌های توسعه‌ی کشور قرار گیرد. سرمایه‌گذاری برای افزایش سطح کیفی تعلیم و تربیت کشور به‌سرعت آثار خود را نشان خواهد داد، همان‌گونه که در سایر کشورها نشان داده است. این بازسازی باید در سه بعد بازسازی علمی و افزایش سطح دانش و بینش معلم، بازسازی منزلت اجتماعی معلمان و تحکیم جایگاه معلمان در جامعه و تقویت ارزش‌مندی شغل معلمی در منظر معلم و سایر آحاد جامعه انجام پذیرد که بالطبع بر روی مرجعیت اخلاقی، ارزشی و مرجعیت الگوی رفتاری و مرجعیت علمی معلمان تأثیرگذاری مثبت خواهد داشت. امید آن‌که به‌علائم هشدار دهنده توجه شود و فرصت‌های طلایی را برای اعتلای میهن اسلامی از دست ندهیم. ان‌شاءالله

۱ - رضا همایی، بررسی میزان تعلق و تعهد سازمانی معلمان استان اصفهان، اصفهان: سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۸۱.

۲ - احمد مختاری، نظرسنجی از معلمان شهر اصفهان در مورد عوامل مؤثر بر نارضایتی آنان در سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰، اصفهان: سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۸۱.